
طراحی مدل عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران

محمد همایون پور^۱، ولی نوذری^{۲*}، سید احسان امیر حسینی^۳

ص.ص: ۶۳-۴۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی مدل عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران بود. پژوهش به روش آمیخته کمی و کیفی و در چارچوب تحقیقات توصیفی-پیمایشی انجام شد، جامعه آماری در بخش کمی، کلیه ورزشکاران و مربیان شاغل در لیگ های حرفه ای ایران بود که با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی براساس فرمول کوکران، تعداد ۴۵ مربی و ۳۲۳ ورزشکار در مجموع برابر با ۳۶۸ نفر انتخاب شدند و در بخش کیفی تعداد ۱۲ نفر از خبرگان ورزشی و مالیاتی بودند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت و عوامل با آزمون فریدمن رتبه بندی شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss-19 و LISREL8.8.8 انجام شد. یافته ها نشان داد که عوامل فردی، عوامل درون سازمانی، عوامل اجتماعی شدن و عوامل برون سازمانی اثر مثبت، مستقیم و معناداری بر ارتقا فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران دارد و عوامل درون سازمانی در رتبه اول قرار گرفتند. می توان گفت که تمرکز بر مؤلفه هایی همچون شفافیت در قوانین مالیاتی و آشنایی مودیان با قوانین مالیاتی در ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤثر است. بنابراین احصاء شاخص ها و معیارهای اخذ مالیات، ویژه ورزشکاران و مربیان حرفه ای و تصویب و اجرای قوانین که راه های فرار مالیاتی از جمله ارائه اسناد صوری را مسدود نماید در دراز مدت به ارتقای فرهنگ مالیاتی کمک خواهد کرد.

واژه های کلیدی: ایران، فرهنگ مالیاتی، مربیان، ورزشکاران حرفه ای

^۱ . دانشجوی دکتری گروه مدیریت ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

homayoon118@gmail.com

^۲ . استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد ارسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ارسنجان، ایران

v.nowzari@yahoo.com

^۳ . استادیار گروه مدیریت ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

amirhosseini@gmail.com

Designing a Model of Factors Affecting the Promotion of Tax Culture in Iranian Athletes and Professional Coaches

Mohammad Homayounpour¹, Vali Nozari *², Seyed Ehsan Amir Hosseini³

Abstract

The purpose of this study was to design a model of factors affecting the promotion of tax culture in Iranian athletes and professional coaches. The research was conducted by a combination of quantitative and qualitative methods and in the framework of descriptive-survey research. The statistical population in the quantitative section was all athletes and coaches working in professional leagues in Iran. A total of 45 coaches and 363 athletes were selected (equal to 368) and in the qualitative section, there were 12 sports and tax experts. The data collection tool was a researcher-made questionnaire which was validated by exploratory factor analysis and its validity and reliability and the factors were ranked by Friedman test. Data analysis was performed using SPSS-19 and LISREL8.8.8 software. Findings showed that individual factors, intra-organizational factors, socialization factors and extra-organizational factors have a positive, direct and significant effect on promoting the tax culture in Iranian athletes and professional coaches and intra-organizational factors were ranked first. It can be said that focusing on components such as transparency in tax laws and taxpayers' awareness and familiarity with tax laws is effective in promoting tax culture. Therefore, counting the indicators and criteria for taxation, especially for athletes and professional coaches, and passing and enforcing laws that block tax evasion, including the submission of formal documents, will help to promote a tax culture in the long run.

Keywords: Iran, tax culture, coaches, professional athletes

¹ . PhD student of Sport Management Department, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran Homayoon118@gmail.com

² . Assistant Professor of Sport Management Department, Arsanjan Branch, Islamic Azad University, Arsanjan, Iran Corresponding Author: v_nowzari@yahoo.com

³ . Assistant Professor of Sport Management Department, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran amirhosseini474@gmail.com

مقدمه

امروزه، مالیات به عنوان یکی از مهم ترین منابع درآمدی دولت ها، در اقتصاد هر کشوری نقش بسیار مهمی را ایفاء می نماید. دولت ها با استفاده از انواع سیاست های مالیاتی می توانند در راستای تحقق مهم ترین اهداف خود همچون ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع مناسب درآمد و از بین بردن شکاف طبقاتی بین اقشار مختلف جامعه، تثبیت قیمت ها، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی و نیز افزایش سرمایه گذاری، از ابزار مالیات استفاده کرده و سیاست های مختلف اقتصادی خود را تنظیم کنند (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰). وصول مالیات از طریق سیستم مالیاتی و تعیین نرخ های مالیاتی برای اقشار مختلف یک جامعه به طوری که بتواند با کسب حداکثر ظرفیت مالیاتی، بالاترین درآمد را برای دولت ها داشته و به عدالت و توزیع مجدد درآمدها در کنار فرهنگ سازی، قانونمند بودن و اعتماد متقابل بین دولت و مردم کمک نماید از جمله اهداف بسیار مهم سیستم های مالیاتی محسوب می شود (محمدی آزاد، ۱۳۹۶). درآمدهای دولت را می توان به دو گروه عمده درآمدهای مالیاتی و غیرمالیاتی تقسیم نمود. در بودجه کشورهای صادرکننده نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و فرآورده های آن، بزرگترین منبع درآمد غیر مالیاتی به شمار می آید. شواهد اقتصاد ایران نیز نشان دهنده آن است که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی، بخش قابل توجهی از درآمد دولت را تشکیل می دهد. در مقابل، درآمدهای مالیاتی، قابل قبول ترین و مناسب ترین نوع آن از نظر اقتصادی است؛ به گونه ای که در بسیاری از کشورها، درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع مهم درآمدی از اهمیت بیشتری برخوردار است (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲). اما عدم پرداخت و قبول مالیات (تمکین) یک چالش جدی برای کاهش عملکرد درآمد مالیاتی محسوب می شود (انگیدا و بایسا^۱، ۲۰۱۴). برای مقابله با این مشکل، دولت با وضع قوانین، مالیات مستقیم و غیر مستقیم را برای بهبود درآمد عمومی به وجود آورد، هرچند شواهد آماری گذشته ثابت می کند که سهم مالیات بر درآمد، در کل درآمد دولت، کم است. ادبیات پژوهشی هم شواهدی را ارائه می دهد که مشخص می کند، تمکین و پرداخت مالیات متأثر از عوامل متعددی است، از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی، فردی (هو، هو و یونگ^۲، ۲۰۱۳، دامایانتي^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). در این میان می توان گفت که فرهنگ حاکم بر جامعه که متأثر از باورها و نگرش های مردم می باشد بر میزان تمکین مودیان مالیاتی اثر دارد.

به طوری که در عصر حاضر فرهنگ مالیاتی به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی پدیده مالیات و مالیات ستانی در دنیای مدرن به شمار می آید. سیاست گذاران اقتصادی و سیستم مالیاتی را چاره ای جز مد نظر قرار دادن و توجه و تمرکز کردن بر ارتقای فرهنگ مالیاتی و تقویت آن در جهت کار آمدی مالیات

¹ - Engida, & Baisa

² - Ho, Ho, & Young

³ - Damayanti, Sutrisno, Subekti. & Baridwan

نیست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از مهمترین دغدغه های های پیش روی نظام مالیاتی، موضوع ارتقاء فرهنگ مالیاتی است. ایجاد و تغییر فرهنگ به زمان نیاز دارد و دستگاه مالیاتی کشور باید برای فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزش ها و باورهای مناسب مالیاتی برنامه ریزی کند. باید در جامعه این باور ایجاد شود که هر نسلی مکلف است در دوره حیات خود هزینه های اداره کشور را خود تأمین کند. منابع و ثروت هایی که به نسل های آینده نیز تعلق دارد، باید به مصرف سرمایه گذاری مولد برسد. برای ایجاد این فرهنگ باید زمینه فراهم شود تا مردم با اطمینان وارد عرصه فعالیت های اقتصادی شوند (مسیحی و محمد نژاد، ۱۳۹۴). وجود یک فرهنگ مالیاتی پیشرو، کمک قابل توجهی به توسعه اقتصادی کشور می نماید و از سوی دیگر مدیران با آگاهی و مطالعه عوامل در برگیرنده ارتقای فرهنگ مالیاتی حاکم بر جامعه، بهتر می توانند فرهنگ مالیاتی را مدیریت و توسعه دهند. به گونه ای که بهبود فرهنگ مالیاتی می تواند تأثیر مهمی در کاهش هزینه ها، افزایش درآمدهای دولت، ایجاد کنترل های موثر داشته که نتیجه آن افزایش عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و تمکین مالیاتی است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳). فرهنگ هم چنین به عنوان یک عامل محرک محیطی محسوب می شود که می تواند فرار مالیات را کاهش دهد. ارزش های اخلاقی تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی ممکن است بر فرار مالیات تأثیر بگذارد. بدین ترتیب ثابت شده است که ارتقای سطح فرهنگ مالیاتی، نیازمند درک بهتر روابط متقابل این عوامل است. هر چند باید متذکر شد که یافته های متناقضی هم مشاهده شده است، که برای شناخت بهتر روابط این عوامل و ارائه مدل کلی از تأثیر این عوامل نیاز به شواهد جدید و قابل ملاحظه ای است (آگبی تانده^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). فرهنگ بستری است که در آن اندیشه ها، ارزش ها و رفتارها فرصت رشد و تجلی می یابند و با توجه به بستر فرهنگی، رفتار فرهنگی شکل می گیرد. بدون شک رفتار مالیاتی هر ملتی نشأت گرفته از آموزه های فرهنگی جامعه ای است که در آن بالیده اند (حکیمی و سارکیسیان، ۱۳۹۵). فرهنگ مالیاتی هنگامی کارا است که افراد جامعه را به رعایت موارد ذیل ملزم کند: مالیات کل درآمد و دارایی مشمول مالیات را بپردازند، شروع فعالیت اقتصادی خود را به اداره مالیات گزارش دهند، درآمد خود را کتمان نکنند، در موعد مقرر اظهارنامه مالیاتی خود را براساس درآمدها و هزینه های واقعی تنظیم کنند و به حوزه مالیاتی تحویل دهند، مالیات خود را در موعد مقرر قانونی بپردازند، با ادارات امور مالیاتی در تشخیص مالیات همکاری کنند، در مقابل دولت نیز باید به وظایف خود در قبال مؤدیان پایبند باشد (لشکری زاده و عزیز، ۱۳۹۰).

امروزه افزایش سطح فرهنگ مالیاتی، ایجاد فرهنگ خود اظهاری و به تبع آن افزایش سطح تمکین مالیاتی به ویژه در قشر ورزشکاران که مشکلات مالیاتی عدیده ای دارند، از دغدغه های اصلی مدیران سازمان امور مالیاتی محسوب می شود. فرهنگ مالیاتی را می توان مجموعه ای از طرز تلقی، بینش و

¹ - Agebetunde, Adedokun, & Fadipe



عکس العمل اشخاص در قبال سیستم مالیاتی دانست. این طرز تلقی به طور قطع با یک قانون مناسب و نیز عملکرد مأموران مالیاتی در به کارگیری قانون در مراجعه به مؤدیان، نقش اساسی دارد. سیاسی و اقتصادی آن جامعه خواهد بود (عسکری و همکاران، ۱۳۹۰). بدون شک امروزه، ورزش حرفه ای و صنعت ورزش تجارت بسیار بزرگی را در برمی گیرد، ورزش حرفه ای شامل همکاری حامیان مالی، رسانه ها، ورزشکاران و تماشاچیان است. هم چنین، بازار جهانی ورزش حرفه ای از این جهت که چندین مهارت و کسب و کار با هم ادغام شده و کسب و کارهای جدیدی را شکل داده اند، ساختار متفاوتی دارد و همچنان این ساختار، روز به روز در حال گسترش است. از آن جا که ورزشکاران و مربیان حرفه ای یکی از عناصر اصلی کسب و کارها در حوزه ورزش حرفه ای هستند، لذا، توجه به فرهنگ توسعه فرهنگی در این بخش ضرورتی برای توسعه در هر یک از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و حتی ورزشی محسوب می گردد (نقوی و همکاران، ۱۳۹۶). در زمینه عوامل مؤثر بر پرداخت مالیات و همچنین فرهنگ مالیاتی مطالعات اندکی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. مرور آن ها بیانگر این است که به نتایج مشابه دست یافته اند.

در همین رابطه کولیش و فرانچ (۲۰۱۳) در بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش مالیات دهندگان از دیدگاه بازاریابی اجتماعی است در بین فرش کاران حرفه ای دریافته اند که متغیرهای کنترل نگرشی، هنجاری و ذهنی بر پیش بینی های مطلوب پرداخت کنندگان مالیات تأثیر دارد. بامی-آلدرد^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه فرهنگ ملی و فرار مالیاتی در سطح بنگاه در ایالات متحده آمریکا دریافته اند که عوامل نهادی به همراه عوامل جمعیت شناختی، عوامل سازمانی و عوامل نگرشی، به عنوان یک زیر مجموعه ارزش های فرهنگی مؤثر بر فرار مالیاتی می باشند. احمد^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش ها و بررسی تسلیم پذیرش مالیات دهندگان فردی با در نظر گرفتن عوامل درونی و بیرونی در سازمان های کشور یمن نشان دادند که نرخ مالیات بالا و سیستم مالیاتی ناعادلانه، دو عامل بسیار مهم مرتبط با عدم رعایت پذیرش مالیات است. علاوه بر این حسابرسی ناکافی اثرات بازدارنده کمی دارد. عواملی مانند کافی نبودن تعداد کارکنان اداره مالیات، تغییرات مکرر قانون مالیات، رعایت پذیرش مالیاتی را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می دهد. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با هدف تبیین جامعه شناختی فرهنگ مالیاتی مؤدیان از طریق واکاوی نظام معنایی آنها درباره پدیده مالیات دریافته اند که در الگوی تجربی تحقیق متغیرهای نظام مندی مالیات، اعتماد متقابل کنشگران، عدالت مالیاتی و کارآمدی مصارف مالیاتی به طور مستقیم، متغیرهای شفاف بودن قوانین مالیاتی و اقتدارگرایی مالیاتی به طور غیر مستقیم و متغیرهای انصاف مالیاتی و سلامت اقتصادی مسؤلان به طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ مالیاتی مؤدیان اثر می گذارند. خداپرست و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه

¹ - Bame-Aldred, Charles, Cullenb, Martinc, Kelly, Parboteeah, Praveen

² - Ahmed, & Helhel

ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی در عدم گسترش فرهنگ مالیاتی، در میان عوامل فرهنگی، ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی، در میان عوامل فناوری و نرخ های بالای مالیاتی برای ورزشکاران و مربیان، در میان عوامل دولتی و قانونی مهم ترین عوامل از نظر پاسخ دهندگان بوده است. سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی عوامل بروز پدیده فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای نشان دادند که در میان عوامل قانونی، شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها؛ در میان عوامل فرهنگی، طرز تلقی اشتباه ورزشکاران نسبت به پرداخت‌های مالیاتی؛ در میان عوامل حقوقی، عدم ضمانت اجرایی توسط نهادهای ذی‌ربط بر باشگاه‌ها؛ در میان عوامل مدیریتی، دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی فعال در کشور و در میان عوامل اقتصادی، عامل عدم پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران؛ در اولویت قرار گرفتند. اعتمادی (۱۳۹۲) در بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای لیگ برتر استان اصفهان، نشان دادند که نبود برنامه های تبلیغی برای افزایش فرهنگ مالیاتی و همچنین پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی، و مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی از عوامل مهم در فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای بوده است. لشکری زاده و عزیزی (۱۳۹۰) در مطالعه ای با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی دریافتند که سطح فرهنگ مالیاتی در میان مردم پایین تر از حد متوسط است، بی اطلاعی مردم از اهمیت پرداخت مالیات یکی از عوامل بازدارنده فرهنگ مالیاتی است، ساده سازی متون قوانین مالیاتی و منطقی کردن مراحل اخذ مالیات در ارتقا فرهنگ مالیاتی تاثیر دارد، آموزش مردم با قوانین و مقررات مالیاتی، مشکلات مامور تشخیص را کم می کند و در ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤثر است، افزایش عدالت و کارکرد سازمان مالیاتی در ارتقا فرهنگ مالیاتی تاثیر دارد و صداقت و احساس مسوولیت مودیان یکی از عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی بوده است. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مودیان بخش مشاغل استان البرز، مشخص نمودند که عوامل اجتماعی شدن همچون همکاران صنفی، التزام به دین، رسانه ها، وجود سنت مالیات دهی در خانواده، روحیه قانون گرایی در خانواده در افزایش فرهنگ مالیاتی تأثیر گذار می باشد. تأثیر عوامل برون سازمانی همچون اتحادیه های صنفی، داشتن وکیل حقوقی، تشویق و تقدیر از مؤدیان خوش حساب در افزایش فرهنگ مالیاتی نیز مورد تأیید قرار گرفت. همچنین تأثیر عوامل برون سازمانی همچون انجام مکانیزه امور مالیاتی، وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی، اطلاع رسانی مالیاتی شفاف بودن قوانین مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی مورد تأیید قرار گرفت. عوامل درون سازمانی همچون سطح تحصیلات مؤدیان، داشتن انگیزه برای مشارکت اجتماعی، آشنائی مؤدیان با قوانین مالیاتی، نگرش مثبت مودیان نسبت به کارکرد مالیات اعتماد سیاسی نسبت به دولت، در افزایش فرهنگ مالیاتی مؤثر بوده است.

مدیران با آگاهی و مطالعه عوامل دربرگیرنده ارتقای فرهنگ مالیاتی حاکم بر جامعه بهتر می توانند فرهنگ مالیاتی را مدیریت و توسعه دهند. تلاش در جهت ایجاد یک فرهنگ مالیاتی پیشرو و قوی در کشور می تواند تاثیر مهمی در کاهش هزینه ها، افزایش درآمدهای دولت و ایجاد کنترل های مؤثر



داشته باشد. در این راستا ارتقاء فرهنگ مالیاتی به خصوص در ورزشکاران و مربیان حرفه ای که بخش مهمی از درآمدهای کشور را به خود اختصاص داده اند، امری ضروری بنظر می رسد. بنابراین لازم است عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی و ارتقای آن مورد شناسایی قرار گرفته تا بتوان اقدامات شایسته ای در این راستا انجام داد (لشکری زاده و عزیزی، ۱۳۹۰).

اگرچه ممکن است مالیات از نظر برخی، پرداخت یک جانبه ملت به دولت تلقی گردد و به همین منظور در پرداخت مالیات مقاومت هایی صورت گیرد، لیکن اگر فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه نهادینه شود بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد، لذا ارتقاء فرهنگ مالیاتی همواره مورد توجه دولت ها و مدیران اجرایی بوده است، در این میان یکی از منابع عمده درآمدی که در عصر حاضر به آن توجه شده است، مالیات بر درآمد ورزشکاران و مربیان حرفه ای است که چالش هایی را دولت ها بوجود آورده است، این چالش ها بیشتر مبتنی بر فرهنگ مالیاتی در این گروه از افراد است. از طرفی مطالعات اندکی در رابطه با ارتقای فرهنگ مالیاتی صورت گرفته و در زمینه ارتقای فرهنگ مالیاتی قشر ورزشی، پژوهشی انجام نشده است و در مطالعات کمتر مورد توجه قرار گرفته است، از این رو تحقیق حاضر با توجه به رویکردهای موجود و پیشینه پژوهشی سعی در تبیین و رتبه بندی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران دارد تا ابتدا با شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران و سپس رتبه بندی عوامل به مدیران سازمان امور مالیاتی و دیگر نهادهای مرتبط در ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور کمک کرده و در نهایت موجب کاهش چالش ها و موانع پرداخت مالیات و همچنین فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای گردد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی است که به شیوه آمیخته (کمی و کیفی) انجام شد. داده های تحقیق به صورت مطالعه اسنادی، اینترنتی، روش پرسشنامه و هم چنین مصاحبه نیمه ساختارمند کیفی از نمونه تحقیق تا حد اشباع نظری در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران انجام شد. در این پژوهش روش تحقیق، ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی می باشد که ابتدا روش کیفی و سپس روش کمی به کار گرفته شد. جامعه آماری در بخش کمی کلیه ورزشکاران حرفه ای و مربیان شاغل در لیگ های حرفه ای ایران بود و افراد نمونه با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی بر اساس فرمول کوکران برای جامعه نامعلوم از بین کلیه ورزشکاران و مربیان حرفه ای داخل کشور که در تیم ها و لیگ های حرفه ای که قراردادهای مالی قابل توجه دارند، انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا ۳۸۴ نفر (۵۰ نفر مربی حرفه ای و ۳۳۴ نفر ورزشکار حرفه ای) از رشته های ورزشی فوتبال و فوتسال، والیبال، کشتی، ووشو، بسکتبال، هندبال و کاراته انتخاب شدند و سپس برای اطمینان بیشتر، اعضای نمونه تحقیق به تعداد ۴۰۰ نفر افزایش داده شد. پس از توزیع پرسشنامه، تعداد ۴۵ مربی و ۳۲۳ نفر ورزشکار، در مجموع برابر با ۳۶۸ نفر به

پرسشنامه ها پاسخ دادند. در بخش کیفی تعداد ۱۲ نفر از خبرگان بر اساس تخصص و تجربه، دسترسی و تمایل به همکاری به صورت هدفمند انتخاب گردید. (۶ نفر از خبرگان سازمان امور مالیاتی و ۶ نفر از خبرگان رشته های ورزشی فوتبال، والیبال، هندبال و بسکتبال).

ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که بر اساس متون، مدل های فرهنگ مالیاتی، پیشینه پژوهش و نظر خبرگان باروش دلفی تدوین شد به این صورت که ابتدا موضوع پژوهش، با اعضای پنل دلفی (خبرگان) مطرح شد. سپس داده های حاصل از ادبیات پیشینه و تعداد دوازده مصاحبه با نمونه کیفی تحقیق در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران، پرسشنامه اولیه تهیه شد و در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل و ارائه نظرات اصلاحی توسط اعضای خبرگان، پرسشنامه، بازنگری و پلاپش شد و به منظور اعلام نظر مجدد و تعیین میزان اهمیت هر کدام از گویه ها، مجدداً برای خبرگان ارسال گردید. در پایان به منظور تجدید نظر در مورد عوامل و ترتیب اهمیت آنها، پرسشنامه برای خبرگان ارسال گردید و توافق کلی اعضا، حاصل گردید. سپس با استفاده از روش کمی بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی، روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-19 بهره گرفتن از نرم افزار LISREL8.8.8، نخست به تأیید روایی و پایایی پرسشنامه بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی و هم چنین ضریب آلفا کرونباخ برای هر عامل و مولفه های آن محاسبه شد که به ترتیب برای عوامل فردی ۰/۸۸؛ عوامل درون سازمانی ۰/۸۲؛ عوامل اجتماعی شدن ۰/۸۱؛ عوامل برون سازمانی ۰/۷۷ و فرهنگ مالیاتی ۰/۸۸ بود. سپس با استفاده از مدلسازی معادله ساختاری به برازش مدل مفهومی پرداخته شد. برای توصیف متغیر های تحقیق مانند توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد از آمار توصیفی و از آمار استنباطی آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده ها، آزمون t تک متغیره برای بررسی مؤثر بودن عوامل ارتقای فرهنگ مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای و آزمون فریدمن برای رتبه بندی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران استفاده شد.

جدول ۱: علائم متغیرها در مدل پژوهش

علامت	متغیر
SOCI	عامل اجتماعی شدن
SO1	التزام و پای بندی به دین
SO2	همکاران صنفی
SO3	رسانه های ملی و اجتماعی
SO4	سنت مالیاتی دهی در خانواده
SO5	قانون محوری
EXTOR	عوامل برون سازمانی

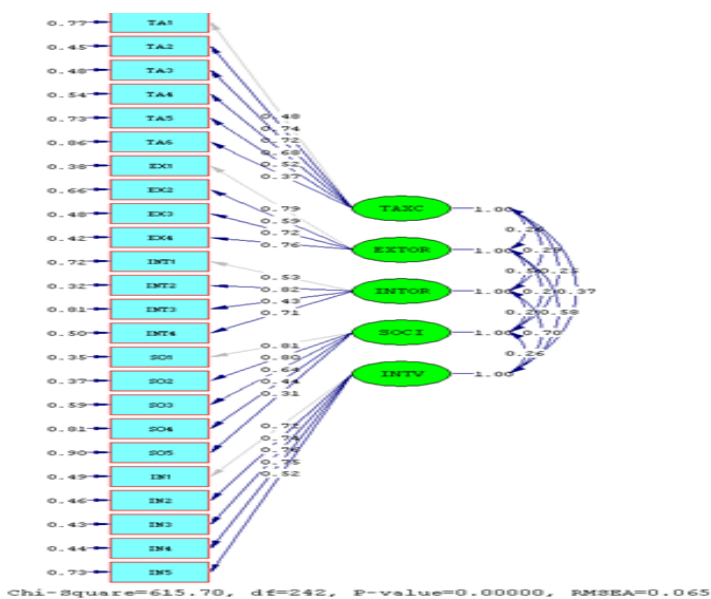
EX1	اتحادیه های صنفی
EX2	داشتن وکیل حقوقی
EX3	ادراک عدالت مالیاتی در جامعه
EX4	الگوهای تشویقی و تقدیر و تشکر از مودیان خوش حساب
INTOR	عوامل درون سازمانی
INT1	مدرنیزه شدن و انجام مکانیزه امور مالیاتی
INT2	وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی
INT3	اطلاع رسانی مالیاتی
INT4	شفافیت در قوانین مالیاتی
INDV	عوامل فردی
IN1	سطح تحصیلات
IN2	شوق و انگیزه برای مشارکت اجتماعی
IN3	آگاهی و آشنایی با قوانین مالیاتی
IN4	باور و نگرش مثبت نسبت به کارکرد مالیات
IN5	اعتماد سیاسی به دولت

یافته ها

نمونه آماری تحقیق از رشته های ورزشی که مربیان و ورزشکاران سطح اول آن در لیگ های کشوری به صورت حرفه ای به فعالیت ورزشی مشغولند، انتخاب شده است. در بخش کمی تحقیق، ورزشکاران و مربیان از رشته های ورزشی فوتبال و فوتسال، والیبال، کشتی، ووشو، بسکتبال، هندبال و کاراته بودند که ۶۷/۹۴ درصد از نمونه آماری، مرد و ۳۲/۰۶ زن بودند. ۴/۰۸ درصد نمونه، دارای مدرک دکترا و یا دانشجوی دکترا، ۴۴/۰۲ درصد، دارای مدرک فوق لیسانس و ۵۱/۹ درصد، دارای مدرک لیسانس بودند. ۶۷/۱۲ درصد از نمونه آماری تحقیق، دارای سابقه ورزش یا مربیگری بالاتر از ده سال و ۳۲/۸۸ درصد، دارای سابقه کمتر از ده سال سابقه ورزش یا مربیگری بودند.

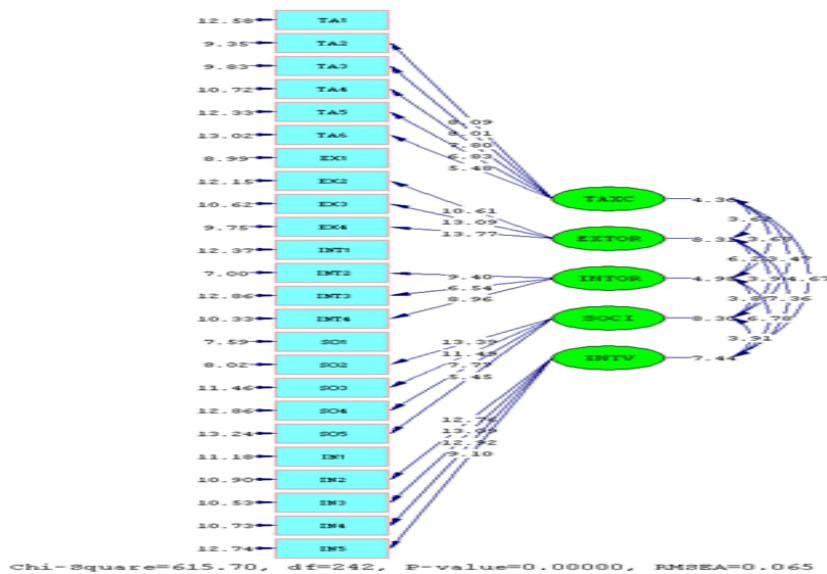
در بخش کیفی تحقیق تعداد ۶ نفر از خبرگان سازمان امور مالیاتی و ۶ نفر از خبرگان رشته های ورزشی فوتبال، والیبال، هندبال و بسکتبال بودند که ۸۸ درصد مرد و ۱۲ درصد زن بودند. ۴۴ درصد دارای مدرک دکترا، ۴۲ دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۴ درصد دارای مدرک لیسانس بودند. ۹۲ درصد دارای سابقه بیش از ده سال مدیریت در سازمان امور مالیاتی و ۸ درصد از خبرگان، کمتر از ده سال، سابقه مدیریت در سازمان امور مالیاتی داشت.

با بهره گیری از روش دلفی و نظرات خبرگان در قالب عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل درون سازمانی و عوامل برون سازمانی ۱۹ عامل فرعی (مؤلفه) شناسایی گردید. بعد از انجام تحلیل عاملی اکتشافی و نام گذاری عوامل، تحلیل عاملی تاییدی انجام گردید که در شکل ۱ و ۲ مدل اندازه گیری پژوهش در دو حالت استاندارد و ضرایب معناداری مشاهده می شود:



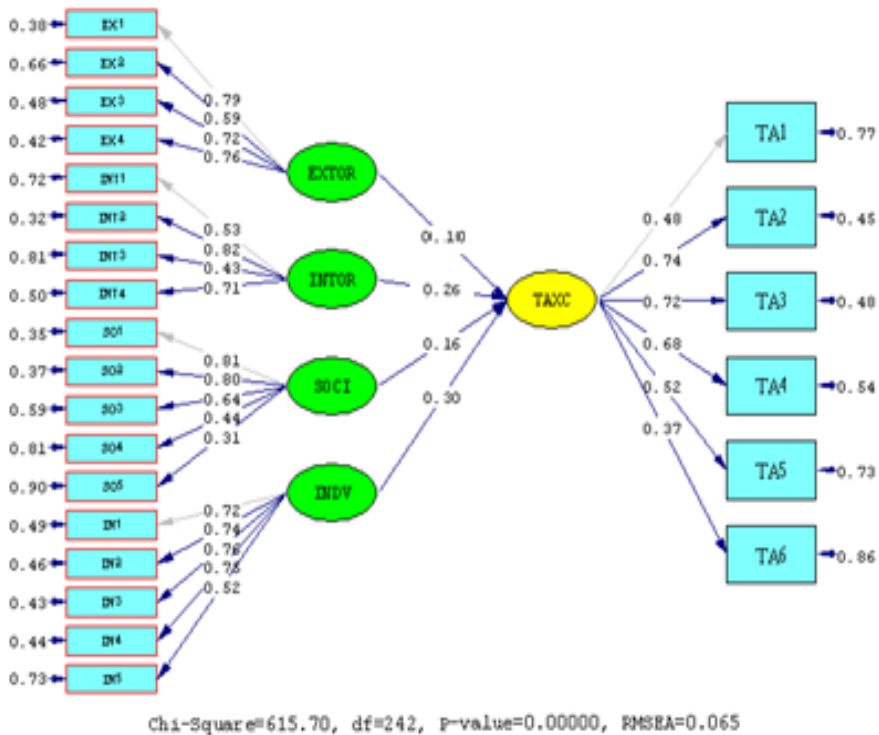
شکل ۱: مدل اندازه گیری نهایی در حالت استاندارد

مدل اندازه گیری در حالت استاندارد در شکل ۱ و در حالت ضرایب معناداری شکل ۲ مشاهده می گردد، با توجه به شاخص های برازش مدل، می توان گفت در هر دو حالت استاندارد و ضرایب عددی مدل نهایی از برازش کافی برخوردار است.



شکل ۲: مدل اندازه گیری نهایی در حالت ضرایب معناداری

با توجه به نتایج تحلیل عاملی تاییدی، می توان گفت مدل اندازه گیری برای انجام مدل ساختاری مناسب می باشد و قابل اطمینان است. با توجه به شکل ۳ و ۴ تحقیق، شاخص های برازش مدل نشان دهنده این است که مدل ساختاری دارای برازش نسبتاً خوبی است زیرا کای دو به درجه آزادی آن کمتر از ۳ بوده، هم چنین RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۹ است هر چقدر این مقدار کوچکتر از ۰/۹ باشد، برازندگی مدل بسیار عالی است. در شکل ۳ مدل ساختاری در حالت استاندارد را نشان می دهد. خروجی بعدی در شکل ۴ حالت معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده مدل ساختاری تحقیق را نشان می دهد که تمامی ضرایب بدست آمده معنادار شده اند. زیرا مقدار آزمون معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱-۱/۹۶ نشان دهنده معناداری بودن و تأیید شدن مدل ساختاری است. بنابراین مدل از نظر شاخص های تناسب در وضعیت مناسبی قرار دارد و مدل مفهومی تحقیق با توجه به جدول ۲ مورد تأیید قرار می گیرد. مدل ساختاری تحقیق در حالت تخمین استاندارد، در ادامه ارائه شده است:

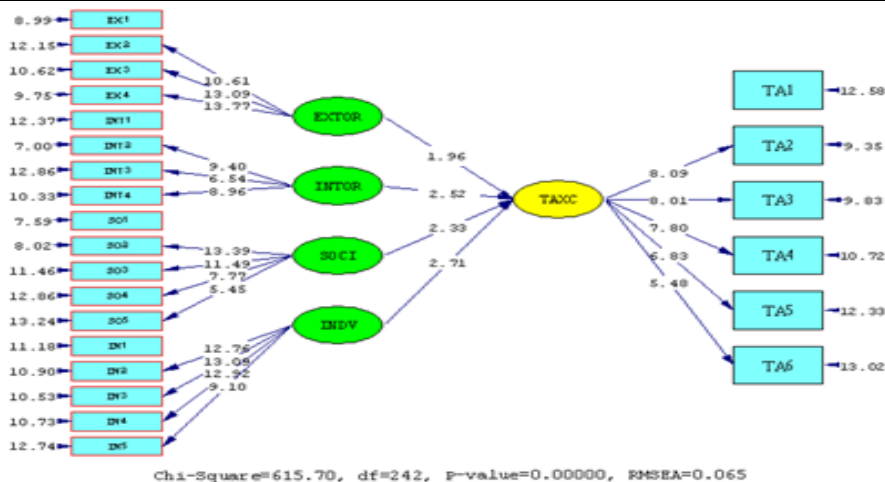


شکل ۳: مدل ساختاری برازش یافته پژوهش در حالت تخمین استاندارد

در جدول ۱ شاخص های برازش مدل مشاهده می شود:

جدول ۱: شاخص های برازش مدل ساختاری تحقیق

ردیف	شاخص مدل	ارزش های مورد انتظار(سفارش شده)	ارزش های محاسبه شده مدل
۱	GIA	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴
۲	IFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۶
۳	CFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۳
۴	NFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۵
۵	RMSEA	پایین نراز ۰/۰۹	۰/۰۶۵
۶	df/χ ^۲	کمتر از ۳	۲/۵۴



شکل ۴: مدل ساختاری برازش یافته پژوهش در حالت ضریب معناداری

در نهایت عوامل و مؤلفه ها رتبه بندی شد. حیطة های مورد بررسی و نتایج کای دو، درجه آزادی و سطح معنی داری و رتبه بندی آن ها در جداول درج گردیده است. نتایج استنباطی تحقیق مربوط به عوامل اصلی اثرگذار بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در جدول شماره ۲ درج گردیده است. نتایج آزمون رتبه ای فریدمن برای رتبه بندی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور

کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
۷۶/۴۸	۳	۰/۰۰۱

رتبه	میانگین	ابعاد عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای
۱	۳/۸۵	درون سازمانی
۲	۳/۷۶	فردی
۳	۳/۴۵	اجتماعی

۴	۳/۳۰	برون سازمانی
---	------	--------------

در جدول شماره مشاهده می شود که عوامل درون سازمانی با میانگین ۳/۸۵ در رتبه اول قرار گرفته است و بقیه عوامل نیز بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای اثرگذار هستند. با توجه به سطح معنی داری ($\alpha=0/001$) که از سطح معنی داری ($\alpha \leq 0.05$) کوچکتر است، می توان نتیجه گرفت که رتبه میانگین محورهای عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در این تحقیق تفاوت معنی داری وجود دارد. جدول شماره ۳ رتبه میانگین عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور در ابعاد درون سازمانی، برون سازمانی، فردی و اجتماعی را نشان می دهد. جدول ۲. نتایج آزمون رتبه ای فریدمن برای رتبه بندی مولفه های عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور

رتبه	میانگین	مولفه های مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی	عوامل اصلی
۱	۳/۴۰	همکاری صادقانه باشگاه های ورزشی با سازمان امور مالیاتی	عوامل برون سازمانی
۲	۳/۳۲	داشتن وکیل حقوقی	
۳	۳/۳۰	اتحادیه های صنفی	
۱	۳/۷۰	شفافیت در قوانین مالیاتی	عوامل درون سازمانی
۲	۳/۶۶	مدرنیزه شدن و انجام مکانیزه امور مالیاتی	
۳	۳/۵۰	وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی	
۴	۳/۴۵	اطلاع رسانی مالیاتی	
۵	۳/۴۲	ارائه الگوهای تشویقی به مودیان خوش حساب	
۱	۳/۵۹	آگاهی و آشنایی مربیان و ورزشکاران حرفه ای با قوانین مالیاتی	عوامل فردی
۲	۳/۴۰	باور و نگرش ورزشکاران و مربیان نسبت به کارکرد مالیات	
۳	۳/۳۰	سطح تحصیلات ورزشکاران و مربیان حرفه ای	
۱	۳/۵۵	روحیه قانون گرایی در خانواده ها	عوامل اجتماعی
۲	۳/۵۰	ادراک عدالت مالیاتی در جامعه	
۳	۳/۴۲	التزام و پایبندی به دین	
۴	۳/۴۰	رسانه های ملی و اجتماعی	
۵	۳/۳۵	سنت مالیات دهی در خانواده	
۶	۳/۳۳	همکاران صنفی	

نتایج جدول شماره ۳ رتبه بندی مولفه های عوامل اصلی را مشخص نمود و نشان داد که تمام مولفه های عوامل اصلی بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای اثرگذار هستند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این تحقیق، طراحی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران بود. نتایج نشان داد که ۱۹ عامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور در قالب چهار عامل اصلی (فردی، اجتماعی، درون سازمانی و برون سازمانی) شناسایی شد. در صورتی که برنامه ریزی مناسب صورت گیرد و تصمیمات و اقدامات سنجیده ای در راستای هدایت این عوامل اتخاذ شود، توسعه و ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان را به دنبال خواهند داشت. یافته های پژوهش مشخص نمود که مدل طراحی شده از برآزش مناسبی برخوردار است و می توان چهار عامل تأثیر گذار بر ارتقا فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران را به ترتیب عامل فردی، عامل درون سازمانی، عامل اجتماعی شدن و عامل برون سازمانی، اولویت بندی کرد. نتایج تحقیق انگیدا و بایسا (۲۰۱۵)؛ داماینتی و همکاران (۲۰۱۵)؛ آگی تانده و همکاران (۲۰۱۵)؛ احمد و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش ها با در نظر گرفتن عوامل درون و برون سازمانی و بامی-آرد و همکاران (۲۰۱۳) به اثر عوامل اجتماعی شدن، درون و برون سازمانی و عامل فردی بر ارتقا فرهنگ مالیاتی تاکید دارند. این یافته ها، با یافته های پژوهش حاضر همخوانی دارد. با توجه به این که مدل طراحی شده از برآزش مناسب برخوردار است، می توان گفت این مدل و عوامل شناسایی شده، مدیران را در ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران یاری خواهد داد. بر اساس یافته های تحقیق در بخش آزمون فریدمن، عامل درون سازمانی در رتبه اول اثرگذاری بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور قرار گرفت. در واقع می توان گفت که عامل درون سازمانی و مؤلفه های این عامل، مهمترین عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور می باشد. تأثیر مؤلفه های درون سازمانی، به ترتیب اهمیت و بر اساس رتبه بندی، از قبیل شفافیت در قوانین مالیاتی، مدرنیزه شدن و انجام مکانیزه امور مالیاتی، وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی، اطلاع رسانی مالیاتی و ارائه الگوهای تشویقی به مودیان خوش حساب بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور تأیید شد. این یافته با نتایج سایر مطالعات مورد بررسی همخوانی دارد. به عنوان مثال، احمد و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که عواملی مانند کافی نبودن تعداد کارکنان اداره مالیات از عوامل مرتبط بر عدم تمکین مودیان مالیات است. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) متغیرهای شفاف بودن قوانین مالیاتی بر فرهنگ مالیاتی اثر مستقیم دارد. خداپرست و همکاران (۱۳۹۷) به ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت صحیح مؤدیان مالیاتی که بر فرار مالیاتی مؤثر بوده اند اشاره کردند. اعتمادی (۱۳۹۲) عنوان کرد که مکانیزه نبودن سیستم مالیاتی از عوامل مهم در فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای بوده است. لشکری زاده و عزیزی (۱۳۹۰) معتقدند که افزایش عدالت و کارکرد سازمان مالیاتی در ارتقا فرهنگ مالیاتی تأثیر دارد. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) دریافتند که عوامل درون سازمانی همچون سطح تحصیلات مؤدیان و آشنائی مؤدیان با قوانین مالیاتی در افزایش فرهنگ مالیاتی مؤثر بوده است که این یافته ها با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. مسئولین می بایست نسبت به استفاده بهینه



از عوامل و تلاش در جهت ارتقای فرهنگ مالیاتی اقدام لازم را انجام دهند. اقداماتی از قبیل آماده نمودن زیرساخت های فناوری و برخورداری از نظام جامع اطلاعات به همراه شفافیت در بیان قوانین به طوری که برای همه قابل درک باشد می تواند نگرش و باورهای ورزشکاران و مودیان نسبت به پرداخت مالیات بهبود ببخشد. همچنین تعامل مسئولین با رسانه ها از جمله صدا و سیما در بالابردن آگاهی جامعه می تواند نقش مهمی ایفا نماید. بدیهی است که ضعف شفاف بودن قوانین و انصاف مالیاتی در عرصه ورزش می تواند اثر منفی بر ارتقا فرهنگ مالیاتی این قشر از جامعه داشته باشد. شفاف بودن قوانین مالیاتی از طریق درک انصاف مالیاتی توسط مودیان بر فرهنگ مالیاتی آنها اثر می گذارد. در دنیای مدرنیزه امروزی برخورداری از سیستم های مدرن و به روز دنیا و بانک اطلاعاتی جامع کمک زیادی به بهبود فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای خواهد کرد و در نگرش و باورهای آن ها موثر خواهد بود. بنابراین مسئولین باید به تحقق این امر توجه ویژه ای داشته باشند.

همچنین در این تحقیق مشخص شد که عوامل فردی در رتبه دوم اهمیت در تأثیر گذاری بر ارتقای مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای قرار دارد و تأثیر و اهمیت آن تأیید شد و نیز بر اساس رتبه بندی انجام شده به ترتیب، تأثیر مؤلفه های آگاهی و آشنایی مربیان و ورزشکاران حرفه ای با قوانین مالیاتی، باور و نگرش ورزشکاران و مربیان نسبت به کارکرد مالیات، سطح تحصیلات ورزشکاران و مربیان حرفه ای، اعتماد به سیاست گذاری و خط و مشی دولت و میزان باور مالیاتی در تسلیم اظهارنامه بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای کشور تأیید شد. این یافته با نتایج سایر مطالعات مرور شده همخوانی دارد. به عنوان مثال، کولیش و فرانچ (۲۰۱۳) دریافتند که متغیرهای کنترل نگرشی، هنجاری و ذهنی بر پیش بینی های مطلوب پرداخت کنندگان مالیات تأثیر دارد. بامی-آلدرد و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که عوامل نگرشی، به عنوان یک زیر مجموعه ارزش های فرهنگی مؤثر بر فرار مالیاتی می باشند. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) به تاثیر نگرش مثبت مودیان نسبت به کارکرد مالیات اشاره کردند که این یافته ها با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. آشنا سازی جامعه با قوانین مالیات و کارکرد های مالیات از طریق رسانه های گروهی و آموزش های مجازی متعدد و هدفمند جهت صنوف مختلف از جمله مربیان و ورزشکاران حرفه ای می تواند سطح آگاهی مودیان را ارتقا داده و در نتیجه به ارتقای فرهنگ مالیاتی کمک نماید. در بین ورزشکاران نیز با همکاری وزارت ورزش و جوانان می تواند این مهم با سهولت بیشتری انجام شود. بدیهی است که افزایش سطح اطلاعات مربیان و ورزشکاران حرفه ای کشور، باعث افزایش اعتماد آن ها به دولت و سازمان امور مالیاتی، در نهایت منجر به تمکین آن ها در پرداخت مالیات خواهد شد.

اجتماعی شدن عاملی است که در اولویت بعدی در پژوهش حاضر در ارتقا فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران حاصل شده است. همچنین به ترتیب، تأثیر مولفه های روحیه قانون گرایی در خانواده ها، ادراک عدالت مالیاتی در جامعه، التزام و پایبندی به دین، رسانه های ملی و اجتماعی، سنت مالیات دهی در خانواده و همکاران صنفی بر ارتقای فرهنگی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران در

آزمون رتبه بندی فریدمن تأیید شد. بامی-آلدرد و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه فرهنگ ملی و فرار مالیاتی در سطح بنگاه در ایالات متحده امریکا با دریافتند که عوامل نهادی به همراه عوامل جمعیت شناختی به عنوان یک زیر مجموعه ارزش های فرهنگی مؤثر بر فرار مالیاتی می باشند. اعتمادی (۱۳۹۲) پیچیدگی و غامض بودن قوانین و مقررات مالیاتی از عوامل مهم در فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای بوده است. لشکری زاده و عزیزی (۱۳۹۰) دریافتند که آموزش مردم با قوانین و مقررات مالیاتی و قانون محوری در ارتقای فرهنگ مالیاتی مؤثر است. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) که در الگوی تجربی تحقیق متغیرهای نظام مندی مالیات، اعتماد متقابل کنشگران، عدالت مالیاتی و کارآمدی مصارف مالیاتی به طور مستقیم، بر فرهنگ مالیاتی مؤدیان اثر می گذارند. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی دریافتند که عوامل اجتماعی شدن همچون همکاران صنفی، التزام به دین، رسانه ها، وجود سنت مالیات دهی در خانواده، روحیه قانون گرایی در خانواده در افزایش فرهنگ مالیاتی تأثیر گذار می باشد. این یافته ها با یافته های این پژوهش همخوانی دارد. هنجارهای اجتماعی یکی از مهمترین عوامل پیش بینی کننده تمکین مالیاتی و در نتیجه ارتقا دهنده فرهنگ مالیاتی محسوب می گرد که می تواند تحت تأثیر گروه های مرجع از قبیل همکاران صنفی، گروه های شغلی مشابه و غیره قرار گیرد که رفتار گروه مرجع از جمله گروه ها و تیم ها و باشگاه های ورزشی، می تواند به رعایت مقررات و در نتیجه افزایش رعایت قوانین مالیاتی در یک جامعه کمک شایانی نماید. لذا رابطه بین هنجارهای اجتماعی قوی برای رعایت رفتار درست و هم چنین وابستگی افراد به گروه مرجع و رعایت حقیقت بر رفتار و فرهنگ مالیاتی اثر گذار است.

در نهایت نیز نتایج تحقیق مشخص نمود که عوامل برون سازمانی بر ارتقای فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای می باشد. همچنین به ترتیب، تأثیر عوامل فرعی برون سازمانی از قبیل همکاری صادقانه باشگاه های ورزشی با سازمان امور مالیاتی، داشتن وکیل حقوقی و اتحادیه های صنفی بر ارتقای فرهنگی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایران در آزمون رتبه بندی فریدمن تأیید شد. سلطان حسینی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی عوامل بروز پدیده فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای نشان دادند که شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه ها و عوامل مدیریتی، دولتی بودن بیشتر باشگاه های ورزشی فعال در کشور در عدم پرداخت به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران در اولویت قرار گرفتند. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) عنوان کردند که تأثیر عوامل برون سازمانی همچون اتحادیه های صنفی، داشتن وکیل حقوقی، تشویق و تقدیر از مؤدیان خوش حساب در افزایش فرهنگ مالیاتی نیز مورد تأیید قرار گرفت. فدراسیون های ورزشی و تدوین مقررات و اساسنامه هایی به منظور کنترل بیشتر و دقیق تر باشگاه ها در راستای کاهش یا جلوگیری از فرار مالیاتی می تواند نقش پررنگی بر رفتار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایفا نماید. این مهم سبب می شود که ورزشکاران و مربیان حرفه ای علاوه بر قوانین و مقررات باشگاه ها که با آنان قرارداد امضاء می کنند و ملاک پرداخت مالیات در سازمان امور مالیاتی ایران محسوب می شود، نقش پر رنگ تری در گزارش ورزشکاران و مربیان حرفه



ای از شروع فعالیت اقتصادی خود به اداره ی مالیات داشته باشند و وظایف خود را با توجه به رویکرد هنجارهای گروهی به نحو احسن انجام دهند و نتوانند درآمد خود را کتمان کنند. هم چنین ادراک عدالت مالیاتی از دیگر عواملی است که بر ارتقا فرهنگ مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای اثرگذار بوده است، به عبارت دیگر اینکه نظام مالیاتی تا چه حد در جهت وصول مالیات از فعالان اقتصادی عادلانه عمل می کند برای آنان مهم بوده است. همان طور که در ادبیات پژوهش ذکر گردید، در مورد عادلانه بودن مالیات دو مفاد کلی و دو ضابطه وجود دارد؛ دو مفاد کلی عدالت افقی و عدالت عمودی هستند، در عدالت افقی از درآمدهای مشابه، مالیات های مشابه اخذ می شود. عدالت عمودی نیز به مفهوم گرفتن مالیات بیشتر از صاحبان درآمد یا ثروت بیشتر است. دو ضابطه عدالت مالیاتی شامل توان پرداخت و فایده است. ضابطه توان پرداخت به این معناست که مالیات از کسی گرفته می شود که قدرت پرداخت بالایی دارد بر اساس ضابطه فایده منطقی است که اشخاص حقیقی یا حقوقی که از خدمات بخش عمومی استفاده بیشتری می برند، در پرداخت مالیات هم مشارکت بیشتری داشته باشند که خود ادراک عدالت و در نتیجه فرهنگ مالیاتی را در پی خواهد داشت.

با توجه به مرور مطالعات انجام شده و یافته های این پژوهش می توان گفت که عوامل درون سازمانی از ابزارهای تأثیر گذار جهت رسیدن به ارتقاء فرهنگ مالیاتی است. این بُعد از کار به طور اخص به سازمان امور مالیاتی و مدیران ارشد آن ارتباط دارد که با تصمیمات و اقدام های سنجیده، گام مهمی در این عرصه بردارند.

همچنین می توان ادعان کرد که وجود نظام جامع اطلاعات مالیاتی که باستناد اسناد و مدارک موجود دارای سه هدف اصلی افزایش درآمدهای پایدار مالیاتی، کاهش هزینه های عملیاتی مالیات ستانی و افزایش رضایت صاحبان کسب و کار (مودیان مالیاتی) بوده است، هنوز به طور کامل به مرحله اجرا در نیامده و بعضا با کاستی هایی روبرو است، لذا لازم است نسبت به عملیاتی کردن کامل آن و رفع کاستی ها اقدام گردد تا بتوان گامی مهم در ارتقاء فرهنگ مالیاتی و ایجاد عدالت مالیاتی برداشت.

احصاء شاخص ها و معیارهای ویژه جهت اخذ مالیات از ورزشکاران و مربیان حرفه ای و تصویب قوانین شفاف و قابل درک برای مدیران و ورزشکاران تیم های حرفه ای در مجلس شورای اسلامی به منظور مسدود کردن راه های فرار مالیاتی و همچنین تدوین مقررات و اساسنامه هایی توسط فدراسیون های ورزشی به منظور کنترل بیشتر و دقیق تر باشگاه ها در راستای کاهش یا جلوگیری از فرار مالیاتی می تواند نقش پررنگی بر رفتار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای ایفا نماید. این مهم سبب می شود که ورزشکاران و مربیان حرفه ای علاوه بر قوانین و مقررات باشگاه ها که با آنان قرارداد امضاء می کنند و ملاک پرداخت مالیات در سازمان امور مالیاتی ایران محسوب می شود، نقش پر رنگ تری در گزارش ورزشکاران و مربیان حرفه ای از شروع فعالیت اقتصادی خود به اداره ی مالیات داشته باشند و وظایف خود را با توجه به رویکرد هنجارهای گروهی به نحو احسن انجام دهند و نتوانند درآمد خود را کتمان

کنند. بنابراین توسعه تعاملات و مراودات با فدراسیون های ورزشی می تواند سازمان امور مالیاتی را در ارتقاء فرهنگ مالیاتی کمک نماید.

در پایان با توجه به یافته ها می توان گفت که یکی از معضلات قانون مالیات ها در ایران غیر شفاف بودن، ثقیل بودن و دیر هضم بودن قانون مالیاتی است، سبک نگارش قانون در ایران که زبان خاص خود و اصطلاحات حقوقی خاص خود را دارد باعث شده است که مؤدیان مالیاتی به راحتی متن قانون مالیات ها را متوجه نشوند و لذا شفاف سازی و ساده نویسی قانون مالیات ها، ارتقاء فرهنگ مالیاتی را تسهیل خواهد کرد.

منابع

- اعتمادی، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران حرفه ای لیگ برتر استان اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه.
- حیدری، م؛ قاسمی، و؛ رنانی، م؛ ایمان، م. (۱۳۹۶) مروری نظام مند بر مطالعات فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن، جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال ۶، شماره ۲، ص ۸۵-۱۱۶.
- حیدری، م؛ قاسمی، و؛ رنانی، م.؛ ایمان، م. (۱۳۹۸). تبیین جامعه شناختی فرهنگ مالیاتی بر مبنای واکاوی نظام معنایی مؤدیان مالیاتی در اصفهان: رویکردی ترکیبی، جامعه شناسی کاربردی، دوره ۳۰، شماره ۲، ۱-۲۸.
- حکیمی، م؛ سارکسیان، ط. (۱۳۹۵). بررسی نقش نظام مالیاتی کشور در مدیریت و ارتقای فرهنگ مالیاتی در میان مودیان اشخاص حقوقی (واحد های تولیدی) استان آذربایجان غربی، دوره ۳، شماره ۲ و ۳، ۹۰-۱۰۶.
- خدایپرست، م؛ سلطان حسینی، م؛ سلیمی، م. (۱۳۹۷). بررسی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه ای با تاکید بر عوامل فرهنگی، فناوری، و دولتی و قانونی، فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، دوره ۷، شماره ۱، ۱-۱۴.
- سلطان حسینی، م؛ سلیمی، م؛ اعتمادی، م. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در بین ورزشکاران و مربیان حرفه ای، فصلنامه مدیریت ورزشی، دوره ۷، شماره ۳، ۴۳۷-۴۵۶.
- صالحی، م؛ پرویزی فرد، س؛ استوار، م. (۱۳۹۳). تأثیر عوامل فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی در بین مودیان امور مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۳، پیاپی ۷۱.
- عرب مازار، ع؛ گل محمدی، م؛ باقری، ب. (۱۳۹۰). سطح تمکین مالیاتی، مهم ترین شاخص دست یابی به یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد. پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۲، ۲۷-۶۹.
- عسکری، ع؛ توتونچی، ا؛ مطلبی، د. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر اجرای کارآمد مالیات بر ارزش افزوده در اداره کل امور مالیاتی مؤدیان بزرگ، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۰، ۵۱-۷۵.
- لشکری زاده، م؛ عزیزی، س. (۱۳۹۰). شناسایی برخی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی در ایران، فصلنامه مدیریت، سال ۸، شماره ۲۲، ۸۲-۹۲.

- محسنی تبریزی، ع؛ کمیجانی، ا؛ عباس زاده، م. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مؤدیان بخش مشاغل (صنف لوازم التحریر) استان البرز. پژوهشنامه مالیات. دوره ۱۸، شماره ۹، ۱۹۹-۲۲۸.
- محمدی آزاد، م. (۱۳۹۶)، ناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر اجرای خط مشی های مالیاتی در ایران، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۳۳، ص ۵۱-۶۳.
- مسیحی، م؛ محمدنژاد، ع. ز. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی از دیدگاه مودیان و کار شناسان مالیاتی اداره کل مالیات بر ارزش افزوده تهران، مجله مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره ۲.
- نقوی، م؛ حسینی، س؛ رضانی نژاد، ر؛ کشگر، س. (۱۳۹۶). شناسایی حوزه ها و عوامل مؤثر بر شکل دهی رفتارهای اجتماعی ورزشکاران حرفه ای ایران، مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، دوره ۴، شماره ۱۶، ۳۰-۲۱.
- هادیان، ا؛ تحویلی، ع. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۳۲-۵۸.
- Ahmed, Y. and Helhel, Y.,(2014), Factors Affecting Tax Attitudes and Tax Compliance: A Survey Study in Yemen, *European Journal of Business and Management*, ISSN 2222-2839 (Online), 6(22),
- Agebetunde, L. A., Adedokun, L. B., Fadipe, A.O.(2015). A Cross-Cultural Survey of Ethical Reasons for Tax Evasion among Nigerian Taxpayers, *Research Journal of Finance and Accounting*, 6(23), 9-16.
- Bame-Aldred, Charles W. Cullenb, John B. Martinc, Kelly D. Parboteeah, K. Praveen (2013). National culture and firm-level tax evasion, *Journal of Business Research*, 66(3), 390-396.
- Damayanti, TW., Sutrisno, T., Subekti. I. & Baridwan, Z.(2015). The Role of Taxpayer's Perception of the Government and Society to Improve Tax Compliance. *Accounting and Finance Research*, 4(1), 180-188.
- Engida, T.G.; Baisa, G.(2014). Factors Influencing taxpayers' compliance with the tax system: An empirical study in Mekelle City, Ethiopia, *eJournal of Tax Research*,12(2), 433-452.
- Ho, D., Ho, D. C., & Young, A. (2013). A study of the impact of culture on tax compliance in China. *International Tax Journal*, 33-44.
- Kulis, D., Franic, Josip A. (2013). Financial and Tax Effects of Professional Athlete Transfer, *Institute of Public Finance*, 74, 1-10..